روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۳۷-۸۸۹۸۶۸۲۹ نمابر: ۸۸۹۸۶۸۴۸ تلفن آگهی‌ها: ۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۱۳ اذان مغرب ۱۸:۳۱ اذان صبح فردا ۴:۴۹ طلوع آفتاب ۶:۱۲

شنبه • ۲۶ اسفند ۱۳۹۱ • ۴ جمادی‌الاول ۱۴۳۴ • ۱۶ مارس ۲۰۱۳ • سال دهم • شماره ۱۶۹۷ • ۱۲صفحه+۱۶صفحه ضمیمه

اسپیلبرگ داور «گذشته» فرهادی

مهر: اصغر فرهادی کارگردان ایرانی برنده جایزه اسکار با جدیدترین فیلمش با عنوان «گذشته» در شصت و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کن حضور خواهد داشت که ریاست داوری آن را «استیون اسپیلبرگ» کارگردان آمریکایی بر عهده دارد. فیلم «گذشته» جدیدترین فیلم فرهادی که ششمین تجربه او در زمینه کارگردانی است در میان ۱۰۰ فیلم برتر سال ۲۰۱۳ جای گرفته است. این درام رمانتیک، داستان دختری ایرانی و پسری از منطقه شمال آفریقا را در مرکز توجه خود قرار داده است.

نقد فرهنگ

با مینی‌دی‌وی‌هام چه کار کنم؟

روبرت صافاریان

● مدتی است دوربین ویدیویی سونی‌ای که بیش از ۱۰ سال پیش خریده و پنج سال با آن کلی فیلم از خانواده و سفرها و همین‌طور برخی مصاحبه‌ها با بستگان درباره روستای زادگاهشان و... گرفته بودم، خراب شده است و ساعت‌ها فیلم بلااستفاده روی دستم مانده است. این نوارهای مینی‌دی‌وی را باید یا با اتصال دوربین به تلویزیون تماشا کرد یا با همان دوربین کپچر کرد، یعنی به فایل دیجیتال تبدیل و به کامپیوتر منتقل کرد. برای هر دو کار طبیعی است باید دوربین مینی‌دی داشته باشید. در شکل حرفه‌ای‌ترش دستگاه‌های مینی‌دی‌وی‌پلیر هم هست که قیمت‌شان چندبرابر دوربین است و نکته این است که حالا دوربین مینی‌دی در بازار نیست. تولید نمی‌شود. دوربین‌های آماتوری و نیمه‌حرفه‌ای که امروز در فروشگاه‌های لوازم صوتی و تصویری می‌فروشند همه فیلم‌های گرفته شده را روی هاردی که داخل دوربین کار گذاشته شده است، ضبط می‌کنند. بنابراین شما هم اگر مقدار زیادی نوار مینی‌دی‌وی دارید و دوربین‌تان خراب شده است، یا باید از خیر تماشایشان بگذرید، یا دوربین مینی‌دی‌وی دست دوم بخرید یا دوربین خراب خودتان را تعمیر کنید. همه اینها به هزینه و زمان و پیگیری نیاز دارد. تصویرهایی که با دوربین‌تان گرفته‌اید هنوز روی نوارهای کوچک موجودند اما آنها را نمی‌توانید ببینید. ۱۰ سال دیگر مسلما مینی‌دی‌وی دست دوم دشوارتر از امروز پیدا می‌شود. حتما دفاتر خدمات فیلمسازی‌ای هستند که می‌توانند مینی‌دی‌وی‌های شما را به فایل‌های کامپیوتری تبدیل کنند اما این کار هزینه بالایی دارد و معمولا آدم محض تفنن این کار را نمی‌کند و در بیشتر موارد انبوهی از نوارهای مینی‌دی‌وی بلااستفاده در کشویی یا گنجه‌ای انبار شده می‌مانند.

این اتفاقی است که برای دوربین‌های هشت و سوپرهشت هم افتاد. از دور خارج شدن فرمت‌های ضبط و نمایش تصویر که هر یکی، دو دهه یکبار اتفاق می‌افتد گواهی است بر دروغین بودن همه تبلیغاتی که درباره جاودانه کردن زندگی خانوادگی‌تان با خرید یک دوربین ویدیویی انجام می‌شود. تمام تصویرهایی که با دوربین‌های ویدیویی روی نوارهای مینی‌دی‌وی و فرمت‌های قبل از آن گرفته‌اید تقریبا به درد نمی‌خورند. فیلم‌هایی که برخی‌شان را یکبار هم ندیده‌اید. تغییر فرمت‌های ضبط تصویر متحرک (و همین‌طور صدا و عکس) گاهی معلول پیشرفت فنی است، یعنی راه‌های جدیدی برای ضبط پیدا می‌شوند که تصویر و صدایی با کیفیت بالاتر می‌توانند تولید کنند و گاهی ناشی از ملاحظاتی شبیه رقابت شرکت‌های تولیدکننده و ملاحظات تجاری دیگر است. آشکار است برخی تکنولوژی‌های پیشرفته موجود عرضه نمی‌شوند تا بعد از مدتی به عنوان یک نوآوری در رقابت با حریف‌های تجاری به بازار فرستاده شوند یا برخی شرکت‌ها آگاهانه از قالب‌هایی برای ضبط تصویر استفاده می‌کنند که با قالب‌های شرکت‌های دیگر هماهنگ نباشد و با آنها کار نکند. از اینجاست وجود ده‌ها فرمت تصویر و صوت دیجیتالی و ده‌ها نرم‌افزار برای تبدیل آنها به یکدیگر که همیشه هم خوب کار نمی‌کنند، وقت‌گیرند و با افت کیفیت و مسایل دیگر روبه‌رو هستند. اتفاقی که برای مینی‌دی‌وی‌های من و شما افتاده است، نمونه‌ای است از تفاوت عمیقی که در عرصه تکنولوژی‌های نو بین تبلیغات تجاری و واقعیت وجود دارد اما این موضوع یک وجه ماهوی‌تر نیز دارد. از قالب دوربین‌های خانگی که بگذریم، در سینمای حرفه‌ای نیز اتفاقات مشابهی افتاده است. نه‌تنها با تغییر مدام قالب‌ها روبه‌روییم که تماشای فیلم‌های قدیمی‌تر روی فرمت‌های پیشین را دشوار و گاهی غیرممکن می‌کنند، بلکه با فاسد شدن نوار سلولویید و سایر موادی که اطلاعات تصویری روی آنها حمل می‌شوند نیز مواجهیم. می‌گویند در اوایل سده گذشته یک خواننده مشهور اپرا مایل بود در فیلم بازی کند تا «تصویرش جاودانه شود.» این ماجرا را هواداران جنبش نگاهداری و مرمت فیلم‌های سینمایی ارزشمند نقل می‌کنند تا نشان دهند این «جاودانه شدن» خودبه‌خود اتفاق نمی‌افتد، هزینه بالایی دارد و بنابراین به شکل گزینشی روی می‌دهد. آثار باارزش‌تر حفظ می‌شوند (تا کی؟) و آثار متوسط و ضعیف از میان می‌روند. برای نوارهای تصویری و صوتی آدم‌های معمولی هم اتفاق مشابهی می‌افتد. آنها ممکن است یکی، دو نوار را که حاوی خاطره مهمی از والدین مرحومشان یا عروسی فرزندشان باشند تبدیل و حفظ کنند اما انبوهی از فیلم‌هایی را که در طول سفر یا از زندگی روزمره خانواده گرفته‌اند دور می‌ریزند (یا می‌گذارند آیندگان دور بریزند). حالا با این اوصاف به صحنه‌ای فکر کنید که صدها نفر با دوربین‌های ویدیویی‌شان از یک بنای تاریخی فیلم می‌گیرند. بیشتر این فیلم‌ها مسلما جزو همان‌هایی هستند که در گوشه کشویی تلنبار می‌شوند، بعد به انباری منتقل و سرانجام دور ریخته می‌شوند.

توضیح

ستون «قلم انداز» سیروس ابراهیم‌زاده فردا منتشر می شود.

گزارش میدانی

جایزه کتاب سال شعر خبرنگاران برگزار شد

تقدیر «پُتک»، نکوداشت «سیمین»

جواد حیدریان

عکس: امیر جدیدی

شامگاه آخرین جمعه اسفند سال، آرام‌آرام دود می‌شود و سرای محله «کاووسیه» که میزبان اختتامیه هفتمین دوره «کتاب سال شعر خبرنگاران» بود، پر از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران!

در ساعت پنج عصر، بانوی غزل «سیمین بهبهانی» جزو اولین حاضران در مراسم است که آراسته و خندان از پله‌های کوتاه می‌آید. یکی‌یکی بزرگان شعر و ادبیات ایران از راه می‌رسند. محمود دولت‌آبادی، جواد مجابی، حافظ موسوی، مفتون امینی، شهاب مقربین، علیرضا طبایی، اسدالله امرایی، محمود معتقدی... همه «شعرتر می‌انگیزند» و گپ‌وگفت صمیمانه درگرفته است.

کمی از ساعت ۵ عصر گذشته، اختتامیه هفتمین دوره جایزه شعر خبرنگاران به گام پایانی خود رسیده است. حالا بهانه اصلی شعر است؛ وقتی نامزدهای بخش کتاب سال یکی‌یکی می‌آیند و شعر می‌خوانند:

سعدی گل‌بیانی با «برگ‌های بی‌عشقی ختمی» می‌خواند: «گرگی مجروح که ماده‌اش را بو می‌کشید در نیمرخم بود... در هو هوی کشدار باد...»

«سارا محمدی‌اردهالی» با مجموعه شعر «برای سنگ‌ها» می‌گوید: «تو زیباترین بودی، چه هنگام مرگ، چه پس از مرگ در دیدارهای شبانه... دیگر در ۵۰ سالگی من همه چیز ممکن است...»

بعد از او نوبت به «پوریا گل‌محمدی» می‌رسد تا با شعری از مجموعه «اینجا هیچ خیابانی بی‌طرف نیست» شعر بخواند: «مرا بی‌اجازه دفن کنید... مرا بی‌اجازه هیچ‌کس... هیچ‌چیز زیباتر از مرگ شاعری با چشم‌های باز نیست»

«بکتاش آبتین» با کتی قرمز و عینکی با فرم مشکی مجموعه «پتک» را برمی‌دارد و روی سن می‌رود: «تمام دارایی‌ام این بود، علاقه‌ای که از چشمانم سر می‌خورد... مسافرم و تنهایی‌ام را در چمدانم پنهان می‌کنم... این نامه را برای تو می‌نویسم، دخترم مادرت زیبا بود...»

«رزا جمالی» با «این ساعت شنی که به خواب رفته است» می‌آید و می‌خواند: «لرزه‌نگارهای این خواب را به فردا بسپارید، مسافتی را که پیموده‌ایم قسمت کرده‌ایم... دیگر زمین با ساعت تو تنظیم نمی‌شود...»

بعد از او نوبت به «علیرضا عباسی» می‌رسد تا با «پروانه‌ای از متن خارج می‌شود» برود و شعر بخواند: «نگاه کن، همه چیز به شکل عجیبی با بدها می‌ریزد. درخت یا انسان فرقی نمی‌کند، سربازها روی زمین می‌افتند... وطن تنها سرباز کوچکی است که بارها افتاده...»

«گروس عبدالملکیان» با «حفره‌ها»یش، «مجید یاری» با «سیب قهوه‌ای» نیامده‌اند و سرانجام «علیرضا نوری» با «دلقک‌ها گریه می‌کنند» می‌خواند: «تولد من، برمی‌گردد به سال‌های پنجاه و برف، به روزهایی که خدا تدارک تو را می‌دید...»

نکوداشت سیمین بهبهانی

«محمود دولت آبادی» دعوت می‌شود تا برای رونق بخش دوم مراسم که تجلیل از سیمین بهبهانی است به روی سن برود. او می‌رود و با غزلی از بهبهانی که به گفته دولت‌آبادی «بلندنظرانه و خالی از گلایه است» می‌خواند: «آنکه رسوا خواست ما را پیش کس رسوا مباد/ و آنکه تنها خواست ما را یک نفس تنها مباد»

«جواد مجابی» بزرگ بعدی است که می‌گوید: «خانم بهبهانی غزل را از نهانگاه تاریخی بیرون آورد. او از دل و جان عاشق است... او عاشق مردم و وطن است و برای آنها آرزوی بهروزی دارد. او هیچ وقت عاشقی را از دست نداد...»

«حافظ موسوی» سخنران آخر است، می‌گوید: «شعر خانم بهبهانی تاریخ‌نگاری روح جمعی ما ایرانی‌هاست.»

بکتاش آبتین

پس از سخنان میهمانان در تجلیل از سیمین، برگ لوح تقدیر جایزه کتاب سال شعر را محمود دولت‌آبادی به خانم بهبهانی تقدیم می‌کند. سیمین بهبهانی نحیف ولی شاد و آرام و آراسته می‌گوید: «من مریض هستم و اصلا زبان سخن گفتنم خوب نیست از همه آنها که برای تشکیل این مجلس زحمت کشیدند تشکر می‌کنم، امیدوارم یک روزی بتوانم جبران کنم ولی می‌دانم با این عمر کوتاهی که در پیش دارم و با این زبان الکنم در زمان پیری از عهده آن بر نمی‌آیم.»

تقدیر از برگزیدگان

به گفته علیرضا بهرامی دبیر این جایزه خصوصی؛ ۵۶ مجموعه شعر در بخش «شاعران بدون کتاب» به دبیرخانه رسیده. برگزار کننده‌های این جایزه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران هستند.

داوران بخش شاعران بدون کتاب شامل «اسدالله امرایی، ساره دستاران و یاسین نمکچیان» برگزیده این دوره را معرفی می‌کنند: «ابراهیم عادل‌نیا» از اردبیل. مجری برنامه می‌گوید عادل‌نیا می‌تواند روز ۲۰فروردین برای عقد قرارداد انتشار کتابش به نشر نگاه مراجعه کند. «بخش شاعران بدون کتاب سه شاعر دیگر را نیز به خود می‌بیند که به طور مشترک به مقام دوم می‌رسند «حسن همایون» «فریبا شادلو» و «هادی‌هزاره» از شهر کابل افغانستان!»

برگزیده نهایی هیات داوران متشکل از «علیرضا بهرامی، پوریا سوری، آرش شفاعی، پونه ندایی و رسول یونان» در بخش کتاب سال ضمن تقدیر از گروس عبدالملکیان جایزه خود را تقدیم می‌کنند به مجموعه شعر «بکتاش آبتین» به نام «پتک» که با تشویق حاضران همراه می‌شود. سالن با صدای شعر بکتاش آرام می‌گیرد: «تو تب‌داری و من می‌سوزم، من پیشانی خاطرات توام، در دور دست نزدیک منی...»

دکه

تراژدی کمدی در «سینما و ادبیات»

عنوان: فصلنامه سینما و ادبیات
حوزه انتشار: سینما و ادبیات
سردبیر: نیلوفر نیاورانی
تعداد صفحات: ۲۲۴ صفحه
مطالب مهم: نیم ویژه‌نامه سینمای آمریکا / بررسی زندگی و آثار دیوید فینچر/ روایت در سه فیلم هفت، زودیاک و اژدها/ میزگردی با حضور امید روحانی، مانی حقیقی، پیمان قاسم‌خانی، رامبد جوان و جواد طوسی/ چهره زن در ادبیات داستانی ایران/ صنمی برای پرستیدن یا زن کنشگر؟ «گفت‌وگوی علی عبدالهی با محمد شمس‌لنگرودی درباره نقش زن در شعر ایران»/ بازیگر بزرگی که از بازیگری متنفر بود/ تراژدی سینمای کمدی ایران در شش‌پرده/ فرهنگ‌پایه تیپ‌شناسی شخصیت‌های ایرانی در ۱۵۰سال پیش/ یادداشتی از یدالله رویایی/ نوشتاری از میلان کوندرا درباره صدسال تنهایی

مطلب پیشنهادی «شرق»: بینش حجمی و فنومنولوژی، یادداشتی از یدالله رویایی

هادی حیدری
cartoononline.persianblog.ir

کارتون خواب

از هر نظر بی‌ضرر

بند و نخ

پوریا عالمی

● **نخ دادن**
منجیل باد دارد. در منجیل بادبادک هوا می‌کنند. من نخ می‌دهم و تو را هوا می‌کنم؛ بادبادک زیبایم.

نخ‌کشی
یکی از سرگرمی‌های کودکی ما این است که نخ پول را بکشیم. همین است که صنعت ما نخ‌کش و اقتصاد ما نخ‌نما شده است.

نخ
یک معتاد جمله قصار فرمود: از شگفتی‌های آفرینش یکی اینکه؛ در همه جای دنیا نخ در سوزن است و در این سرزمین، ما در نخ سوزنیم.

خواستگاری
پدر عروس: خب شما چی کارها می‌کنی، کجاها هستی؟
داماد: من در نخ دختر شما هستم.

نخ‌ریسی
داماد: ببخشید، من خیلی کوکم. تو نخ شما هم هستم. بیایید با هم مشارکت اقتصادی کنیم، نخ از شما کوک‌زدن از من. باشه عزیزم؟

بند ادبی
– شما آزادی.
: من از آن روز که در بند توام آزادم.
نگهبان: پاشو بابا.

بند انداختن فرنگی
۱- اینجا زنان در عروسی بند می‌اندازند. در فرنگ، زنان را بند می‌اندازند.
۲- آیا ما نمی‌توانیم با انداختن بند به فرنگ – با قیمت مناسب و به‌صورت عمده- هم به صادرات غیرنفتی کشور کمک کنیم؟ هم زنان فرنگی را از بندبرهانیم؟